

نیمه پنهان: گزارش نوجوانان شهر تهران از کجروی‌های اجتماعی و دلالت‌های آن برای مدیریت فرهنگی

* سید حسین سراج‌زاده

دانشگاه تربیت معلم

چکیده

گفتگوهای رسمی و غیررسمی و همچنین آمار رسمی حاکی از افزایش میزان کجروی‌های اجتماعی در بین نوجوانان و جوانان است. اما آمار رسمی جرایم همواره، بخش آشکار شده واقعیت کجروی‌های اجتماعی را نشان می‌دهند. با استفاده از روش "خودگزارشی" در پژوهش‌های پیمایشی می‌توان نیمه پنهان واقعیت جرایم و کجروی‌ها را هم تا حدی رصد کرد. مقاله حاضر حاوی اطلاعاتی درباره فراوانی انواع کجروی‌های اجتماعی در بین نوجوانان تهران است، که بر اساس روش "خودگزارشی" به دست آمده است. در این مقاله ابتدا روش خود گزارشی به عنوان سنجی به کار رفته در این پژوهش معرفی و ارزیابی می‌شود، سپس یافته‌های این پژوهش درباره فراوانی انواع کجروی‌های اجتماعی، با تأکید بر کجروی‌های فرهنگی، به صورت توصیفی ارائه شده و رابطه آن با برخی از متغیرهای اجتماعی بررسی می‌شود. در پایان با توجه به فراوانی کجروی‌های فرهنگی در بین نوجوانان، دلالت‌های این امر برای برنامه‌ریزی فرهنگی مورد بحث قرار می‌گیرد. کلیدواژه‌ها: کجروی اجتماعی، کجروی فرهنگی، خودگزارشی، جوانان، مدیریت فرهنگی.

The Hidden Half: Tehran Adolescents' Report of Social Deviants and its Implications for Cultural Planning

Seyed Hossein Serajzadeh, Ph.D.

Assistant Professor, Department of Sociology, Teacher Training University

Abstract

Formal statistics as well as popular and official talks infer that committing social deviants is increasing among youths and adolescents. Official crime statistics, however, always report the manifest part of social deviants. It is possible to monitor, to some extent, the hidden half of crime and social deviants' reality by using "self-report" technique in surveys. Using self-report technique, this article provides some pieces of information on the frequency of different types of social deviants among adolescents in Tehran. In this regard, firstly, the applied technique of this report, self-report, is introduced and evaluated. Then, the descriptive findings on social deviants, specially, cultural deviants are presented and their relationships with some social variables are examined. And finally, regarding the high rate of committing cultural deviants by adolescents, the implications of the issue for cultural planning or cultural policy are discussed.

Keywords: Social deviant, cultural deviant, self-report, adolescents, cultural planning.

* دکترای جامعه‌شناسی از دانشگاه اسکس انگلستان، استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی.

seraj@saba.tmu.ac.ir

۱- مقدمه

در سال‌های اخیر نگرانی‌هایی درباره پابندی کم جوانان به ارزش‌ها و هنجارهای دینی و سنتی و افزایش کجروی‌های اجتماعی در سطح شهر و به‌خصوص در میان جوانان و نوجوانان اظهار شده است. برخی از این ابراز نگرانی‌ها که گاه با جهت‌گیری‌های سیاسی هم آمیخته است، افزایش کجروی‌ها را به تغییر رویکرد مدیریت اجرایی کشور در عرصه فرهنگ پس از انتخابات سال ۱۳۷۶ نسبت می‌دهند. اما آمار رسمی جرایم و تخلفات که به‌وسیله نیروهای انتظامی و دادگاه‌ها، بر اساس جرایم کشف شده و پرونده‌های رسیدگی شده، به‌صورت سالانه منتشر می‌شوند، حکایت از آن دارند که از حدود نیمه دوم دهه ۶۰ میزان جرایم، به‌خصوص جرایم اطفال و نوجوانان در حال افزایش بوده است. به عنوان نمونه در فاصله سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۱ تعداد پرونده‌های مربوط به جرایم نوجوانان که در دادگاه‌ها مورد بررسی قرار گرفته است، از ۱۷۱۳ مورد به ۶۲۰۷ مورد رسیده (مرکز آمار ایران ۱۳۷۲) که افزایشی معادل ۲۶۲ درصد را نشان می‌دهد. اما آمار رسمی جرایم همواره، بخش آشکار شده واقعیت کجروی‌های اجتماعی را نشان می‌دهند. یکی از روش‌هایی که مدت‌ها است در بین جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان انحرافات اجتماعی برای فهم بیشتر ابعاد و دامنه کجروی‌ها، به‌خصوص در میان نوجوانان، مورد استفاده قرار گرفته است، استفاده از پرسشنامه "خودگزارشی" (self-report) در پژوهش‌های پیمایشی است. با استفاده از این روش، نیمه پنهان واقعیت جرایم و کجروی‌ها هم تا حدی رصد می‌شود. در ایران، تا آن‌جا که نگارنده اطلاع دارد، در حوزه کجروی‌های اجتماعی تکنیک خود گزارشی به‌صورت روشمند کمتر مود استفاده قرار گرفته است.

مقاله حاضر حاوی اطلاعاتی درباره فراوانی انواع کجروی‌های اجتماعی در بین نوجوانان تهران است، که بر اساس تکنیک خودگزارشی به‌دست آمده است. در این مقاله ابتدا روش خودگزارشی به عنوان سنجه به‌کار رفته در این پژوهش معرفی و ارزیابی می‌شود، سپس یافته‌های این پژوهش درباره فراوانی انواع کجروی‌های اجتماعی، با تأکید بر کجروی‌های فرهنگی، به‌صورت توصیفی ارائه شده و رابطه آن با برخی از متغیرهای اجتماعی بررسی می‌شود، و در پایان با توجه به فراوانی

کجروی‌های فرهنگی در بین نوجوانان، دلالت‌های این امر برای برنامه‌ریزی فرهنگی مورد بحث قرار می‌گیرد.

۲ - زمینه نظری

در بین جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان کجروی‌های اجتماعی مباحث نظری گسترده و مفصلی درباره بزهکاری و کجروی جوانان وجود دارد که مرور آن‌ها از حوصله این مقاله خارج است.^۱ با توجه به این که تأکید این مقاله بر کجروی‌های فرهنگی است نظریه‌های یادگیری یا تفاوت ارتباطات ساترلند (Sutherland's learning or differential association theory)، تضاد فرهنگی (cultural conflict theory)، و واکنش اجتماعی یا برچسب زدن (social reaction or labeling theory) که مناسبت و دلالت‌های بیشتری برای کجروی‌های فرهنگی دارند مورد بحث قرار می‌گیرند.

۲ - ۱ - نظریه یادگیری

بر اساس این نظریه جرم و کجروی رفتاری است که افراد آن را می‌آموزند. ساترلند، که مهم‌ترین فرد شاخص در بین صاحب‌نظران نظریه یادگیری است معتقد است که کجروان، کجروی را عمدتاً از دیگران و در درون گروه‌های اولیه فرا می‌گیرند. افراد بر اساس تفاوت ارتباط خود با مجرمین یا کجروان و یا غیرمجرمین یا هم‌نویان الگوهای رفتار کجروانه را یاد می‌گیرند. بنابراین، اگر کسی بیشتر در معرض تعاریف اجتماعی و پیام‌های مثبت درباره کجروی قرار گیرد، کجرو می‌شود. ساترلند ادامه می‌دهد که تفاوت ارتباطات ممکن است ناشی از فراوانی، دوام، تقدم، و شدت باشد. فراوانی و دوام به میزان ارتباط با رفتار کجرو مربوط می‌شوند. منظور از تقدم، سن برقراری ارتباط با کجروی است، یعنی احتمال کجرو شدن افرادی که از سنین پایین در معرض الگوهای رفتار کجرو قرار می‌گیرند بیشتر از سایرین است. و سرانجام، منظور از شدت، اعتبار منبع (افراد) صادرکننده الگوی کجرو یا هم‌نوا از نظر فرد و

۱. برای اطلاع از خلاصه مفیدی از این نظریه‌ها رجوع شود به بخش "چهارچوب تئوریک" در کتاب "آنومی یا آشفتگی اجتماعی" (رفیع‌پور ۱۳۷۸: ۶۲-۱۱) و بخش دوم کتاب "Juvenile Delinquency" (Siegel and Senna 1997). همچنین منابع زیر نمونه‌ای از کتاب‌های فراوانی است که نظریه‌های جرم‌شناسی و کجروی‌های اجتماعی را به تفصیل مورد بحث قرار داده‌اند: ممتاز ۱۳۸۱؛ ولد و دیگران ۱۳۸۰؛ سلیمی و داوری ۱۳۸۰؛ Downes and Rock 1988.

میزان پیوند عاطفی او با آنها می‌باشد. اگر میزان و نوع ارتباط فردی با الگوهای کجرو از نظر فراوانی، دوام، تقدم، و شدت بیش از الگوهای رفتار عادی باشد، وی به احتمال زیاد کجرو خواهد شد و برعکس (Sutherland and Cressey 1978:77-83). همچنین نگاه کنید به ولد ۱۳۸۰: ۲۵۸-۲۵۱؛ سلیمی و داوری ۱۳۸۰: ۵۱۵-۵۱۱).

۲-۲ - نظریه تضاد فرهنگ

این نظریه بر تفاوت نظام هنجاری گروه‌های مهاجر، اقلیت‌های قومی، و طبقات فرودست با نظام هنجاری مسلط تأکید دارد. بر اساس این نظریه وقتی که تعدادی پاره‌فرهنگ (نژادی، مذهبی، ملی، منطقه‌ای و طبقاتی) در یک جامعه وجود دارد، توافق ارزشی (value consensus) در آن جامعه ضعیف می‌شود. وجود هنجارهای متعارض که به پاره‌فرهنگ‌های مختلف تعلق دارند باعث می‌شود نوعی بی‌هنجاری نابسامان (anomic normlessness) به وجود آید. گروه‌های مسلط قوانین و مقررات را بر اساس نظام هنجاری خود تدوین می‌کنند و انتظار دارند تا افراد متعلق به سایر پاره‌فرهنگ‌ها آنها را رعایت نمایند. کسانی که بر اساس یک پاره‌فرهنگ متفاوت رفتار خود را تنظیم می‌کنند از نظر گروه‌های مسلط مجرم و کجرو معرفی می‌شوند، در حالی که آنها فقط به خاطر این‌که بر اساس هنجارهای فرهنگی خود زندگی می‌کنند، در موضع معارضه با فرهنگ و نظام اخلاقی غالب قرار می‌گیرند (ولد و دیگران ۱۳۸۰: ۳۱۹-۳۲۰؛ Siegel and Senna 1987: 176; Horton and Hunt 1997: 161-162).

۲-۳ - نظریه برچسب زدن

ادعای اصلی نظریه واکنش اجتماعی یا برچسب زدن این است که هنجارگذاری‌های سخت‌گیرانه و معرفی افراد به عنوان کجرو عامل اصلی ایجاد هویت و سبک زندگی کجروانه است. این نظریه به ویژه بر فرایند تعریفی کجرو شدن تأکید دارد. فرایند کجروی به وسیله نهادهای کنترل اجتماعی از طریق نسبت دادن برچسب کجرو به صورت دل‌به‌خواهی به بعضی از افراد ایجاد می‌شود. فردی که برچسب کجرو می‌خورد با مجموعه‌ای از واکنش‌های اجتماعی رسمی و غیررسمی مواجه می‌شود که در نهایت الگوی رفتار کجروانه را در وی

تثبیت می کند (Siegel and Senna 1975: 8-9; Gove 1989: 188-189; Rubington 1997: 219-215).

۳- روش شناسی

با توجه به این که سنجه به کار رفته در این مقاله سنجه "خودگزارشی" است، در این قسمت ابتدا این سنجه از نظر سابقه و مسائل مربوط به اعتبار و روایی مورد بررسی قرار می گیرد و سپس مسائل روش شناسانه این مقاله مطرح می شود.

۳-۱- سنجه خودگزارشی کجروی و بزهکاری

از نیمه دهه ۱۹۵۰ که شرت و نی (Short and Nye 1957) سنجه خودگزارشی بزهکاری را طراحی کردند، این سنجه برای اندازه گیری بزهکاری کراراً مورد استفاده قرار گرفته است. همان طور که هیرشی و همکارانش اظهار داشته اند، استفاده از روش خودگزارشی بزهکاری به چند دلیل در بین جرم شناسان و جامعه شناسان انحرافات اجتماعی رواج یافته است:

"ابزار خودگزارشی می تواند اطلاعاتی فراهم آورد که نشان دهد گروه ها و جمعیت هایی که همگی بر اساس آمار رسمی بزهکار نیستند ممکن است از نظر میزان بزهکاری دارای تفاوت هایی باشند، محتوای ابزار خودگزارشی را می توان با ملزومات یک برنامه تحقیقاتی و یا یک نظریه خاص سازگار کرد، اجرای روش خودگزارشی، در مقایسه با استفاده از اسناد و مدارک رسمی، نسبتاً ارزان است. شاید مهم ترین دلیل برای استفاده وسیع از روش خودگزارشی، این باور شایع باشد که اعتبار آن از آمار و مدارک رسمی بیشتر است" (Hirschi et al 1980: 474).

به رغم امتیازاتی که برای روش خودگزارشی ذکر شد، انتقادات شدیدی بر آن وارد شده و یکی از موضوعات جدال برانگیز در بین پژوهشگران حوزه جرم شناسی بوده است (Wilson and Hernstein 1985: 37-8). این انتقادات از این رو مطرح شده که پژوهشگرانی که از این روش استفاده کرده اند به مسئله ارزیابی پایایی (reliability) و اعتبار (validity) این ابزار توجهی نداشته اند. با وجود این، هیندلنگ و همکارانش (Hindelang et al 1981: 75) چند پژوهش را که از روش خودگزارشی

استفاده کرده بودند مورد بررسی قرار دادند و دریافتند که این ابزار حتی با تعداد اندکی عبارت هم از پایایی قابل قبولی برخوردار بود. علاوه بر آن، در پژوهش‌هایی که تعداد عبارت‌های خودگزارشی زیاد بود، پایایی سنجه، که با روش محاسبه ضریب همبستگی دو نیمه محاسبه شد، در حد بالایی بود و به پایایی بهترین سنجه‌های روان‌سنجی نزدیک بود. ابزارهای سنجش بزهکاری از پایداری (stability) یا پایایی آزمون بازآزمون (test-retest reliability) بالایی هم برخوردار بودند. در نتیجه، هیندلنگ و همکارانش به نحو قانع‌کننده‌ای استدلال کردند با آن که در بسیاری از پژوهش‌ها پایایی سنجه خودگزارشی آزمون نشده، این واقعیت که آن دسته از پژوهش‌ها که پایایی سنجه خودگزارشی را آزموده‌اند، نتایج قابل قبولی به دست آوردند، حکایت از پایایی چشمگیر این روش دارد (Hindelang et al 1981).

روش خودگزارشی ممکن است از نظر اعتبار آسیب‌پذیرتر از پایایی باشد. ولی به نظر نمی‌رسد که حتی از این حیث هم خودگزارشی از سنجه‌های دیگر متداول در تحقیقات اجتماعی وضع نامناسب‌تری داشته باشد (Hirschi et al 1980: 477). هیندلنگ و همکارانش (Hindelang et al 1981: 114) ادبیات مربوط به این حوزه را به نحو جامعی بررسی کردند و نتیجه گرفتند که اکثر پژوهش‌ها روایی متوسط تا بالایی داشته‌اند و بنابراین، می‌توان گفت که، با توجه به معیارهای معمول در تحقیقات اجتماعی، روش خودگزارشی از نظر اعتبار هم وضعیت مناسبی دارد.

با وجود این، باتملی و پیز (Bottomley and Pease 1986: 21) معتقدند که احتمال وجود بایاس پاسخگو (بیش گزارشی و کم گزارشی) در روش خودگزارشی بیش از روش پیمایشی بزه دیده (victim survey) است. آن‌ها ادامه می‌دهند که شاید به‌خاطر مشکلات و نارسایی‌های روش خودگزارشی بوده که در سال‌های اخیر به پیمایش‌های بزه دیده شناسی (victimology) توجه بیشتری شده است. ویلسون و هرنشتین (Wilson and Hernstein 1985: 38) هم به دلیل این که در نتایج به دست آمده از خودگزارشی‌های کجروی تفاوت‌های سنی، جنسی، نژادی و طبقاتی بسیار کمتر از گزارش‌های رسمی پلیس است، نسبت به اعتبار روش خودگزارشی تردید کرده‌اند. به‌رغم این، همان‌طور که کلمن و ماینهان (Coleman and Moynihan 1996: 67-69) در بررسی جامع خود درباره منابع اطلاعاتی جرم اظهار

داشته‌اند، روش خودگزارشی، تبدیل به روش استاندارد در آزمون فرضیه‌های کجروی شده و کمک شایانی به این حوزه کرده است.

از نظر محتوای سنجه‌های خودگزارشی، بیشتر پژوهشگرانی که از این سنجه استفاده کرده‌اند عبارت‌هایی را به کار برده‌اند که در ابتدا به‌وسیله شرت و نی (Short and Nye 1957) مطرح شدند. با وجود این، آن‌ها عبارات جدیدی به آن افزودند، عبارات خاصی از آن را برگزیدند، و آن‌ها را در مقوله‌های مختلفی دسته‌بندی کردند تا آن را با اهداف تحقیق خود سازگار کنند. بنابراین، می‌توان گفت که هیچ سنجه خودگزارشی استاندارد وجود ندارد (Hirschi et al 1980: 475). در واقع در هر پژوهشی محتوای خودگزارشی به اهداف آن پژوهش بستگی دارد.

روش خودگزارشی را می‌توان به سه منظور به کار برد که عبارتند از: (۱) ساختن سنجه‌ای از بزهکاری که همانند سنجه‌های بزهکاری مطرح شده در تعاریف رسمی است، (۲) آزمون نظریه‌های بزهکاری و (۳) ایجاد سنجه‌ای از بزهکاری به عنوان شاخصی برای فراوانی رفتارهای بزهکارانه در بین جمعیت (Coleman and Moynihan 1996: 473-474). روشن است که مقیاس‌های خودگزارشی که برای تأمین هدف دوم به کار می‌روند بیش از آن‌هایی که برای دو هدف دیگر به کار می‌روند دستخوش تغییر می‌شوند.

موضوع یک بعدی یا چند بعدی بودن هم می‌تواند در ارتباط با محتوای سنجه‌های خودگزارشی مورد توجه قرار گیرد. بزهکاری از نظر یک بعدی یا چند بعدی بودن مفهومی محل اختلاف نظر بوده است. بیشتر پژوهشگران این حوزه، بزهکاری را مفهومی یک بعدی دانسته و همه انواع بزهکاری را در یک شاخص کلی بزهکاری قرار داده‌اند (Hindlang et al 1981: 47). همچنین هیندلنگ و همکارانش (Hindlang et al 1981: 69) گزارش کردند که میانگین ضرایب همبستگی عبارت‌ها در مطالعاتی که آن‌ها بررسی کردند مثبت ولی کوچک بود ($r = 0.2$ to 0.3). این بدان معناست که اگر فردی دارای رفتار بزهکارانه خاص بود به احتمال ضعیفی می‌توان گفت که دارای انواع دیگر رفتار بزهکارانه هم هست. بنابراین، میانگین ضرایب همبستگی کوچک‌تر از آن است که بتوان نتیجه گرفت که بزهکاری مفهومی یک بعدی است. در نتیجه، با استفاده از یک عبارت یا مقیاس یک بعدی خطاهای اندازه‌گیری بیشتری بروز می‌کند و

سنجه‌های قابل اطمینان نخواهیم داشت. به همین دلیل در بیشتر پژوهش‌هایی که اخیراً انجام شده است سنجه‌ای چند بعدی به کار رفته است (Shields 1983; Jensen & Erickson 1979; Free 1992; Cochran 1994).

۳-۲- سنجه کجروی

در پژوهش حاضر کجروی به عنوان پدیده‌ای چند بعدی در نظر گرفته شده که در نهایت با ۳۱ عبارت تعریف عملیاتی شده است. این عبارت‌ها در چندین مقوله طبقه‌بندی شدند که عبارتند از: رفتار پرخاشگرانه، تخریب، دزدی، استفاده از مواد مخدر و الکل، کجروی جنسی و کجروی فرهنگی (نگاه کنید به جدول شماره ۱). کجروی فرهنگی ناظر به آن رفتاری است که بر اساس معیارهای اخلاقی و نظام هنجاری سنتی و اسلامی ناپسند و جرم به حساب می‌آیند، مثل عدم رعایت پوشش اسلامی و استفاده از فیلم‌ها و موسیقی‌های غیرمجاز. عبارت‌های سنجه کجروی (به استثنای کجروی فرهنگی) از میان عبارت‌های مقیاس خودگزارشی شرت و نی (Short and Nye 1958) و مقیاس جامع‌تری به نام ابزار خودگزارشی سیتل (Seattle) انتخاب شدند. خودگزارشی سیتل را هیندلنگ و همکارانش به منظور بررسی مسائل روش‌شناختی سنجه‌های خودگزارشی طراحی کردند (Hindlang et al 1981: 69). عبارت‌هایی که در پرسشنامه تحقیق حاضر به کار رفته‌اند به تفکیک انواع کجروی در جدول شماره ۱ ارائه شده‌اند.

پایایی و اعتبار: پایایی مقیاس‌های کجروی با روش آزمون بازآزمون (test-retest) و پایداری درونی (inter-consistency) آزمون شد. ضریب همبستگی پیرسون نمرات مقیاس‌ها در آزمون و باز آزمون پایداری قابل ملاحظه‌ای را نشان داد. این ضرایب عبارتند از ۰/۷۶ برای تخریب، ۰/۹۰ برای رفتار پرخاشگرانه، ۰/۸۹ برای مصرف الکل و مواد مخدر، ۰/۹۶ برای دزدی و نیز کجروی کل.

همچنین آزمون مقدماتی پرسشنامه نشان داد که تقریباً همه سنجه‌های کجروی از پایایی نسبتاً بالایی برخوردارند. ضرایب آلفای کرونباخ مقیاس‌های کجروی بین ۰/۶۴ تا ۰/۹۶ بود (نگاه کنید به جدول ۱). با وجود این، ضرایب آلفای این مقیاس‌ها در اجرای نهایی پرسشنامه اندکی کاهش یافت و بین ۰/۵۶ تا ۰/۸۰ محاسبه شد. سنجه کجروی جنسی تنها سنجه‌ای بود که ضریب آلفای محاسبه شده برای آن کمتر از ۰/۵ یعنی ۰/۳۹ بود. این مقیاس متشکل از ۲ عبارت بود که از داشتن رابطه جنسی با همجنس و غیرهمجنس سؤال می‌کردند. در نتیجه، احتمال این که این دو

عبارت ابعاد متفاوتی از سنجه کجروی جنسی باشند قابل پیش‌بینی بود. در مجموع ضرایب آلفای محاسبه شده در اجرای نهایی هم، همانند اجرای آزمایشی، نشان دهنده اعتبار متوسط تا قوی سنجه‌ها است.

جدول شماره ۱- عبارتهایی که در سنجه‌های کجروی یا بزهکاری به کار رفته‌اند

پرخاشگری	آلفا = $0/60$
۱- در مقابل معلم یا مسئولان مدرسه ایستادن؟	
۲- دعوا همراه با زد و خورد	
۳- زدن و مجروح کردن دیگران	
مواد مخدر و الکل	آلفا = $0/56$
۱- سیگار کشیدن	
۲- مصرف حشیش	
۳- مصرف تریاک	
۴- مصرف مشروبات الکلی	
دزدی	آلفا = $0/73$
۱- کش رفتن چیزهای کم ارزش	
۲- کش رفتن چیزهای دارای ارزش متوسط	
۳- کش رفتن چیزهای ارزشمند	
۴- وسیله نقلیه افراد ناشناس را بدون اجازه صاحبش برداشتن و سوار شدن	
۵- پول یا چیزی قرض گرفتن و پس ندادن	
۶- به‌خاطر دزدی از مغازه‌ها دستگیر شدن	
۷- از کیف و میز سایر دانش‌آموزان چیزی برداشتن	
تخریب	آلفا = $0/70$
۱- شیشه در و پنجره‌ها را عمدتاً شکستن	
۲- پنجر کردن وسیله نقلیه دیگران	
۳- شکستن چراغ‌های اماکن عمومی	
۴- صندلی سینما، پارک یا سایر اماکن را پاره کردن	
۵- عمدتاً به تلفن عمومی، نرده‌های پارک‌ها و تابلوها آسیب رساندن	
۶- به طرف مردم، منازل و ساختمان‌ها آشغال و سنگ پرتاب کردن	
کجروی جنسی	آلفا = $0/39$
۱- داشتن رابطه جنسی با جنس مخالف	
۲- داشتن رابطه جنسی با هم جنس	
کجروی فرهنگی	آلفا = $0/80$
۱- تماشای فیلم ویدیویی غیرمجاز	
۲- از مسئولان مدرسه به‌خاطر پوشش اخطار گرفتن	
۳- از مأموران انتظامی به‌خاطر پوشش اخطار گرفتن یا به‌وسیله آن‌ها دستگیر شدن	
۴- به‌خاطر همراهی با جنس مخالف به‌وسیله مأموران انتظامی متوقف یا دستگیر شدن	
۵- در پارتی‌ها مختلط دوستانه (نه خانوادگی) شرکت کردن	
۶- رد و بدل کردن عکس و نوار غیرمجاز با دوستان	

اعتبار مقیاس کجروی در این پژوهش از راه اعتبار سازه‌ای (construct validity) آزمون شد. تحقیقات پیشین نشان داده‌اند که جنسیت و کجروی دوستان دو متغیری هستند که با کجروی همبستگی بالایی دارند (Hindelang 1981: 153; Gottfredson and Hirschi 1990: 146; Hindelang et al 1981: 204-6; Adeseun 1993: 54). در این تحقیق این دو رابطه کلاً تأیید شده، به عنوان سنج اعتبار بیرونی (external validity) در نظر گرفته شدند. نتایج به دست آمده برای رابطه این متغیرها در این تحقیق با نتایج تحقیقات قبلی هماهنگ بود. ضریب همبستگی گاما (Gamma) به دست آمده در نمونه مورد مطالعه ما برای جنسیت و کجروی کلی و کجروی دوستان و کجروی کلی به ترتیب ۰/۴۳ و ۰/۶۵ بود. اندازه گاما برای رابطه کجروی دوستان و کجروی کلی در تحقیقات قبلی بین ۰/۵ تا ۰/۷ گزارش شده است (Hindelang et al 1981: 205).

همچنین مقایسه نتایج این پژوهش، با پژوهش‌های دیگری که سنج مشابهی به کار برده‌اند، روش دیگری برای ارزیابی روایی بیرونی سنج خودگزارشی کجروی است. در پژوهشی که ۴ سال پس از اجرای این پژوهش با نمونه‌ای از دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان‌های منطقه ۵ تهران صورت گرفت، سنج مشابهی برای کجروی به کار رفت و نتایج نسبتاً مشابهی به دست آمد (طالبان ۱۳۷۸: ۱۱۰).

جدول شماره ۲ نتایج پژوهش طالبان و این پژوهش را در مورد نسبت کسانی که اظهار داشته‌اند کجروی‌های خاصی را هرگز مرتکب نشده‌اند، نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، این نسبت‌ها تقریباً نزدیک و در مواردی یکسان هستند. با توجه به این که زمان اجرا و چهارچوب جمعیت مورد مطالعه دو پژوهش متفاوت بوده است، اختلاف مشاهده شده در نسبت‌ها را می‌تواند تا حد زیادی ناشی از این تفاوت باشد و نزدیک بودن نسبت‌ها نشانه دیگری برای روایی سنج خودگزارشی کجروی به حساب آید. بنابراین، در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که ابزار سنج خودگزارشی کجروی که در این پژوهش به کار رفته دارای اعتبار رضایت‌بخشی است.

نمونه مورد مطالعه: جمعیت این مطالعه به دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان شهر تهران محدود بود که انتظار می‌رود از نظر سنی ۱۶ تا ۱۷ سال باشند. تعداد دانش‌آموزان سال سوم در سال تحصیلی ۱۳۷۵-۱۳۷۴ در شهر تهران در حدود ۷۹۰۰۰ نفر بود که ۴۳٪ آن‌ها پسر و

۵۷٪ بقیه دختر بودند (وزارت آموزش و پرورش ۱۳۷۴). این دانش‌آموزان در حدود ۲۰٪ کل دانش‌آموزان دبیرستانی آن سال را تشکیل می‌دادند.

جدول شماره ۲- نسبت افرادی که رفتار خاصی را هرگز مرتکب نشده‌اند در دو پژوهش سراج‌زاده (۱۳۷۴) و طالبان (۱۳۷۸)

نسبت (%) کسانی که هرگز مرتکب نشده‌اند		نوع رفتار کجرو
طالبان (۱۳۷۸)، دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان، منطقه ۵	سراج‌زاده (۱۳۷۴)، دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان، مناطق ۱، ۶، ۱۲ و ۱۶	
۱۴	۱۱	تقلب در امتحانات درسی
۳۰	۲۱	در مقابل پدر و مادر ایستادن
۴۸	۲۶	تماشای فیلم ویدیویی غیرمجاز*
۴۴	۳۵	رد و بدل کردن عکس و نوار غیرمجاز
۳۶	۳۸	مزاحمت تلفنی برای دیگران ایجاد کردن
۴۲	۴۵	داشتن و خواستن دوست از جنس مخالف
۴۸	۵۱	دعوا همراه با زد و خورد
۵۰	۵۳	در مقابل معلم یا مسئولان مدرسه ایستادن
۶۶	۵۵	اخطار از مدرسه به خاطر پوشش
۶۸	۵۵	حضور در مجلسی که الکل وجود داشته (صرف‌نظر از مصرف کردن)
۶۹	۶۴	شرکت در پارتی‌های مختلط
۸۸	۶۶	حضور در مجلسی که مواد مخدر وجود داشته
۷۱	۶۷	پول یا چیزی قرض گرفتن و پس ندادن
۷۰	۷۵	سیگار کشیدن
۸۰	۷۵	کش رفتن چیزهای کم ارزش
۸۹	۸۰	پنجر کردن وسیله نقلیه دیگران
۸۶	۸۲	اخطار از مأموران انتظامی به خاطر پوشش
۷۸	۸۲	مصرف مشروبات الکلی
۹۵	۹۱	شیشه در و پنجره‌ها را عمداً شکستن
۹۱	۹۱	شکستن چراغ‌های اماکن عمومی
۹۶	۹۵	مصرف مواد مخدر
۹۵	۹۵	کش رفتن چیزهای ارزشمند

* در پرسشنامه طالبان عبارت "کاملاً غیرمجاز" آمده است و شاید دلیل تفاوت زیاد نتیجه دو پژوهش همین تفاوت در جمله‌بندی باشد.

برای انتخاب نمونه، یک استراتژی نمونه‌گیری خوشه‌ای دو مرحله‌ای به کار رفت. در مرحله اول ۴ منطقه از ۱۹ منطقه تهران به نحوی انتخاب شدند که یک برش طولی از شهر تهران از شمال تا جنوب را پوشش دهند. مناطق منتخب عبارت بودند از منطقه ۱ در شمال، ۶ در مرکز بالا، ۱۲ در مرکز پایین، و ۱۶ در جنوب. این نحوه انتخاب وجود دانش‌آموزان دارای زمینه اقتصادی و اجتماعی متفاوت در نمونه را تضمین می‌کرد. با وجود این، چون نسبت مناطق دارای طبقات بالا، متوسط و پایین در شهر تهران برابر نیست در بازنما بودن مناطق منتخب برای کل مناطق شهر باید محتاط بود.

در مرحله دوم ۶ دبیرستان (۳ دبیرستان پسرانه و ۳ دبیرستان دخترانه) به صورت تصادفی از میان فهرست دبیرستان‌های هر منطقه انتخاب شدند. فقط در منطقه ۶ دو دبیرستان غیرانتفاعی هم به دبیرستان‌های منتخب اضافه شد. در نتیجه تعداد آن‌ها در منطقه ۶ به ۸ رسید. در آخرین مرحله، از هر دبیرستان ۱۵ دانش‌آموز کلاس سوم به روش تصادفی سیستماتیک انتخاب شدند.

این روش نمونه‌گیری به انتخاب ۳۹۱ نفر دانش‌آموز از ۲۶ دبیرستان دولتی و دبیرستان غیرانتفاعی از ۴ منطقه تهران منجر شد. نسبت دختران و پسران در نمونه تقریباً برابر بود (۵۰/۴ درصد دختر و ۴۹/۶ درصد پسر) که به نسبت دختران و پسران در جمعیت مورد مطالعه (۵۲ درصد دختر و ۴۸ درصد پسر) نزدیک بود.

۴ - یافته‌های پژوهش

۴ - ۱ - یافته‌های توصیفی

به منظور مقایسه انواع مختلف رفتار کجروانه، برای هر سنجه یک نمره میانگین محاسبه شد. این میانگین بر اساس تقسیم کردن نمره یک سنجه معین بر تعداد معرف‌های آن به دست آمد. بنابراین، نمره مورد انتظار در همه سنجه‌های کجروی بین ۱ تا ۵ است. این نمرات در سه مقوله طبقه‌بندی شدند. اولین مقوله پاسخگویی را در بر دارد که نمره آن‌ها ۱ است، یعنی "همنواها" که ارتکاب هیچ رفتار کجروانه‌ای را گزارش نکردند. مقوله دوم شامل کسانی است که نمره‌شان بیش از ۱ و تا ۲ است. این افراد دارای کجروی اندکی هستند، یعنی کسانی که دست کم یکی از رفتارهای کجروانه را یکی دو بار مرتکب شده‌اند. بیشترین نمره مقوله دوم یعنی

نمره ۲، به لحاظ نظری به معنی آن است که پاسخگو همه رفتارهای سنجه خاصی از کجروی را دست کم یک یا دو بار مرتکب شده است. آخرین مقوله دربردارنده کسانی است که نمره آن‌ها ۲ تا ۵ بوده است. این گروه به عنوان افراد دارای کجروی بالا در نظر گرفته شده‌اند.

همان‌طور که جدول شماره ۳ نشان می‌دهد، نسبت (درصد) پاسخگویان کاملاً هم‌نوا از حداقل ۱۱ درصد برای کجروی‌های فرهنگی تا حداکثر ۷۳٪ برای کجروی‌های جنسی در تغییر است. بعد از کجروی فرهنگی، اما با فاصله‌ای بسیار قابل توجه، رفتار پرخاشگرانه قرار دارد که حدود نیمی از افراد از این نظر هم‌نوا بوده‌اند. از نظر دزدی و تخریب حدود ۶۰ درصد از پاسخگویان هم‌نوا بوده و بالاخره استفاده از مواد مخدر و الکل به وسیله ۶۷٪ از پاسخگویان گزارش نشده است. نسبت هم‌نویان در این نوع از کجروی در مرتبه دوم بعد از کجروی جنسی قرار دارد. بنابراین، در حالی که در همه انواع کجروی بیش از نیمی از پاسخگویان کاملاً هم‌نوا بوده‌اند، در کجروی فرهنگی از هر ده نفر فقط یک نفر کاملاً هم‌نوا بوده است. به عبارت دیگر، در این نوع کجروی حدود ۹۰٪ از پاسخگویان اظهار داشته‌اند که در طی دو سال قبل از اجرای پرسشنامه، دست کم یکی دو بار یکی از رفتارهای معرف کجروی فرهنگی را مرتکب شده‌اند.

جدول شماره ۳ - وضعیت پاسخگویان از نظر سنجه‌های کجروی

جمع		میزان رفتار کجرو			نوع کجروی
تعداد	درصد	زیاد (کجرو)	کم (کم و بیش هم‌نوا/کجرو)	اصلاً (کاملاً هم‌نوا)	
۳۷۴	۱۰۰	۹	۱۸	۷۳	کجروی جنسی
۳۹۱	۱۰۰	۳	۳۰	۶۷	مصرف مواد و الکل
۳۸۱	۱۰۰	۳	۳۸	۶۰	دزدی
۳۸۳	۱۰۰	۴	۳۷	۵۹	تخریب
۳۸۹	۱۰۰	۱۳	۳۸	۴۹	پرخاشگری
۳۸۳	۱۰۰	۲۷	۶۲	۱۱	کجروی فرهنگی

در بین دانش‌آموزانی که مبادرت به ارتکاب رفتار کجرو کرده‌اند، اکثریت قابل توجهی از آنان در مقوله کجروی اندک (کم و بیش کجرو) قرار گرفته‌اند، یعنی کسانی هستند که یک رفتار یا همه رفتار کجروانه را فقط یکی دو بار مرتکب شده‌اند. نسبت کجروی بالا در سه نوع از کجروی (استفاده از مواد مخدر و الکل، دزدی، تخریب) کمتر از ۵ درصد بود. در رفتار پرخاشگر و کجروی جنسی این نسبت به ترتیب ۱۳٪ و ۹٪ می‌رسید. اما کجروی‌های فرهنگی در وضعیت کاملاً متفاوتی قرار داشت، به طوری که ۲۷٪ پاسخگویان در این نوع کجروی در مقوله کجروی بالا قرار گرفتند.

برای این که تصویر دقیق‌تری از گرایش نوجوانان دانش‌آموز تهرانی به رفتار کجروانه به دست آوریم، لازم است به فراوانی گونه‌های رفتار کجرو توجه کنیم. از نظر سه آیتم تشکیل‌دهنده رفتار پرخاشگر، پاسخگویان به نسبت برابری به کسانی که دعوا کردن با مشت و لگد را گزارش کرده‌اند (۴۹٪) و آن‌ها که ارتکاب این رفتار را گزارش نکرده‌اند (۵۱٪) تقسیم می‌شوند. ۱۴٪ گفته‌اند دست کم یک یا دو بار فرد دیگری را به صورت بدی کتک زده‌اند و ۱۱٪ اظهار داشتند که دست کم یک یا دو بار با معلم خود مشاجره و دعوا کرده‌اند (نگاه کنید به جدول شماره ۲).

در بین آیتم‌های دزدی، فراوان‌ترین مورد برداشتن چیزهای کم ارزش از دیگران (یک چهارم ارتکاب آن را گزارش کردند)، و بعد از آن استفاده از ماشین، موتورسیکلت، یا دوچرخه دیگران بدون اجازه آن‌ها (۱۵٪) بود. برداشتن چیزهای نسبتاً ارزشمند و برداشتن وسایل سایر دانش‌آموزان به ترتیب ۱۰٪ و ۱۲٪ گزارش شد، در حالی که آیتم‌های جدی‌تر دزدی (دستگیر شدن به خاطر دزدی از مغازه‌ها، برداشتن چیزهای ارزشمند، و فروش وسایل دیگران بدون اجازه آن‌ها) فقط به وسیله ۲ تا ۶ درصد از دانش‌آموزان گزارش شد (نگاه کنید به جدول شماره ۲).

از نظر رفتار معرف تخریب، حدود ۲۰ درصد از دانش‌آموزان اظهار داشتند که دست کم یکی دو بار سنگ و آشغال به طرف دیگران و ساختمان‌ها پرتاب کرده یا چرخ وسیله نقلیه دیگران را پنچر یا باد آن را خالی کرده‌اند. این کارها فراوان‌ترین رفتار کجروانه در بین آیتم‌های تخریب بود. فراوانی آیتم‌های پاره کردن صندلی اتوبوس‌ها، شکستن چراغ معابر و اماکن عمومی، و شکستن پنجره

ساختمان‌ها نصف موارد قبلی و حدود ۱۰ درصد بود (نگاه کنید به جدول شماره ۲).

از نظر استفاده از مواد مخدر و الکل، تقریباً هیچ دانش‌آموزی استفاده از حشیش را گزارش نکرده، ۹۷٪ اظهار داشته‌اند که هرگز هرورین و تریاک مصرف نکرده‌اند. ولی نسبت کسانی که هرگز مشروب نخورده‌اند، به نحو چشمگیری پایین‌تر بود و به ۸۲٪ تقلیل یافت. به عبارت دیگر، نزدیک یک پنجم دانش‌آموزان اظهار داشتند که حداقل یک یا دو بار مشروبات الکلی مصرف کرده‌اند. سیگار کشیدن فراوان‌ترین آیتم در این نوع از کجروی بود، به طوری که ۲۵ درصد استعمال آن را گزارش کردند که در این بین بیشتر آن‌ها (۱۹ درصد) گفته‌اند که در دو سال گذشته فقط یکی دو بار سیگار کشیده‌اند (نگاه کنید به جدول شماره ۲).

با آن‌که نسبت کسانی که اظهار داشته‌اند که در دو سال گذشته مواد مخدر مصرف کرده بودند بسیار پایین بود، نسبت قابل ملاحظه‌ای از دانش‌آموزان (یک سوم) اظهار داشته‌اند که در مجلسی که در آن مواد مخدر مصرف می‌شده است حضور داشته‌اند. نسبت بزرگ‌تری (۵۵٪) هم گفته‌اند شاهد مصرف مشروبات الکلی به وسیله دیگران در مجالس و پارتی‌ها بوده‌اند. این اظهارات به این معنی است که گرچه خرید و فروش مواد مخدر و الکل غیرقانونی و حداقل در مورد الکل حرام هم هست، نوجوانان دانش‌آموز به میزان نسبتاً زیادی به مواد مخدر و به خصوص مشروبات الکلی دسترسی دارند.

کجروی‌های جنسی که بر اساس داشتن رابطه جنسی با هم‌جنس و جنس مخالف سنجیده شده است، کمترین فراوانی را در بین انواع کجروی به خود اختصاص داد. یک پنجم (۲۰ درصد) از پاسخگویان اظهار داشتند که با جنس مخالف رابطه جنسی داشته‌اند. نسبت کسانی که با هم جنس خود ارتباط جنسی داشته‌اند، اندکی کمتر و حدود ۱۷ درصد بود (نگاه کنید به جدول شماره ۲).

گویه‌های کجروی فرهنگی که عمدتاً ناظر به معیارهای اسلامی مربوط به پوشش و نحوه اختلاط زن و مرد بود، بیشترین فراوانی را از نظر عدم رعایت به وسیله پاسخگویان داشتند. همان‌طور که پیش‌تر ملاحظه شد، فقط ۱۱٪ از دانش‌آموزان کاملاً هم‌نوا بوده و اظهار داشته‌اند که هرگز معیارهای رفتاری مربوط

به این نوع از کجروی را نقص نکرده‌اند. فراوانی مشاهده شده در مورد تک‌تک گویه‌ها حاکی از آن است که، سه چهارم پاسخگویان نوارها و عکس‌های غیرمجاز با دوستان خود رد و بدل کرده‌اند، نزدیک به نیمی (۴۴٪) از آنان گفته‌اند که به‌خاطر نحوه پوشش و آرایش خود از مسئولان مدرسه اخطار گرفته‌اند، اندکی بیش از یک سوم (۳۶٪) آنان گفته‌اند که حداقل یک دوست از جنس مخالف دارند و حدود یک پنجم (۱۹٪) هم اظهار داشته‌اند که دوستی از جنس مخالف ندارند ولی مایل هستند که داشته باشند، همچنین حدود یک سوم (۳۲٪) در پارتی‌های مختلط دوستانه (و نه خانوادگی) شرکت داشته‌اند، و نسبت قابل توجهی (۱۸٪) به‌خاطر پوشش نامناسب و یا همراهی با جنس مخالفی که از اعضای خانواده‌شان نبوده است، در خیابان از مأمورین انتظامی اخطار گرفته‌اند یا به‌وسیله آن‌ها دستگیر شده‌اند (نگاه کنید به جدول شماره ۲).

فراوانی‌های ملاحظه شده درباره کجروی‌های فرهنگی، حکایت از آن دارد که برخی از ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگ غالب دینی که به‌وسیله مسئولان مدرسه و رسانه‌های جمعی تبلیغ می‌شود و بیشتر خانواده‌ها هم آن را محترم می‌شمارند، در عمل به‌وسیله شمار قابل توجهی از نوجوانان دانش‌آموز رعایت نمی‌شود. به عبارت دیگر، به‌نظر می‌رسد که معیارهای مربوط به روابط دو جنس و پوشش که بر اساس ارزش‌های اخلاقی سنتی که در بین بسیاری از خانواده‌ها پذیرفته شده است، و نقض آن‌ها کجروی و بخشی از عناصر غیرقابل قبول فرهنگ جدید غربی به‌حساب می‌آید، تبدیل به هنجارهای پاره‌فرهنگ گروه قابل توجهی از نوجوانان شده است. در این مورد در قسمت بحث و نتیجه‌گیری بیشتر بحث خواهد شد.

از نظر کجروی دوستان، اندکی بیش از سه چهارم (۷۸٪) پاسخگویان گفته‌اند که هیچ‌کدام از دوستانشان به‌وسیله پلیس دستگیر نشده و یا از مدرسه اخراج نشده‌اند. دو سوم (۶۷٪) اظهار داشته‌اند که هیچ‌گاه به‌وسیله دوستانشان به ارتکاب رفتار کجرو تشویق نشده‌اند. این سه آیتم سنجه کجروی دوستان را می‌سنجند که بر طبق آن، دوستان حدود نیمی (۵۲٪) از دانش‌آموزان کاملاً هم‌نوا، یک سوم (۳۴٪) دارای کجروی اندک، و ۱۴٪ دارای کجروی زیاد طبقه‌بندی شدند.

۴-۲- متعین‌های اجتماعی کجروی

جدول شماره ۴ رابطه بعضی از متغیرهای دموگرافیک و اجتماعی با رفتار کجرو را به تفکیک کجروی‌های فرهنگی و سایر کجروی‌ها نشان می‌دهد. در این جدول از سه مقوله کاملاً هم‌نوا یا غیرکجرو (کسانی که ارتکاب هیچ رفتار کجروانه‌ای را گزارش نکرده‌اند) کم و بیش کجرو یا کجروی اندک، و کجروی زیاد، فقط دو مقوله اول و سوم گزارش شده‌اند تا جدول بزرگ و فهم آن دشوار نشود. تفاضل مجموع ارقام غیرکجرو و کجروی زیاد از عدد ۱۰۰، درصد افرادی را به دست می‌دهد که در گروه کجروی اندک قرار گرفته‌اند. در این قسمت رابطه متغیرها با کجروی فرهنگی و سایر انواع کجروی بر اساس جدول شماره ۴ به اختصار مورد بحث قرار می‌گیرد.

منطقه: از نظر کجروی فرهنگی، منطقه ۱ و ۱۲ از نظر نسبت افراد غیرکجرو و دارای کجروی زیاد یکسان هستند. منطقه ۶ (منطقه مرکزی متمایل به شمال) دارای کمترین نسبت غیرکجروی (۸/۵٪) و بیشترین نسبت کجروی زیاد (۳۲/۵٪) است. با وجود این، تفاوت مناطق از نظر کجروی فرهنگی در حدی نیست که از نظر آماری معنادار باشد. به علاوه، نسبت افراد غیرکجرو در همه مناطق اندک و در حدود ۱۰ درصد است، و در مقابل، نسبت کجروی زیاد در همه مناطق نسبتاً قابل توجه و نزدیک به یک پنجم تا یک سوم است. بنابراین فقدان هم‌نوایی کامل، و یا گستردگی کجروی فرهنگی در بین نوجوانان شهر تهران، ویژگی یک منطقه خاص نیست و تقریباً در همه مناطق توزیع یکسانی دارد.

از نظر سایر انواع کجروی، نسبت کجروی زیاد در همه مناطق، نزدیک به هم و کمتر از ۴ درصد است، اما نسبت غیرکجروها از منطقه ۱ (شمال) به منطقه ۱۶ (جنوب) اندکی افزایش می‌یابد. در این میان، منطقه ۶ از سایر مناطق متمایز است به طوری که نسبت هم‌نوایی در کمترین حد و حدود یک پنجم پاسخگویان بوده است. در مجموع از نظر کجروی‌های فرهنگی و غیرفرهنگی، منطقه ۶ تا حدی از سایر مناطق متمایز است و شیوع رفتار کجرو در آن از سایر مناطق بیشتر است. این یافته با آمار و گزارش‌های رسمی درباره فراوانی جرایم در مناطق شهر تهران هم جهت است و می‌تواند دلیلی بر اعتبار سنجه خودگزارشی کجروی باشد، که در این پژوهش به کار رفته است.

جنس: یافته‌های این پژوهش درباره تفاوت جنسیتی بزهکاری با یافته‌های پژوهش‌های پیشین (Hindelang et al 1981: 153; Gottfredson and Hirschi 1990: 146; Siegel and Senna 1997)، مبنی بر فزونی کجروی و بزهکاری مردان نسبت به زنان، همخوان است. بر اساس جدول شماره ۴ تفاوت بارز و از نظر آماری معناداری بین نوجوانان پسر و دختر به چشم می‌خورد. با وجود این، تفاوت این دو گروه در کجروی‌های غیرفرهنگی بیش از کجروی‌های فرهنگی است. در کجروی‌های فرهنگی نسبت غیرکجروها (کاملاً هم‌نواها) در بین دخترها ۱۸ درصد و در بین پسرها فقط ۵ درصد است. اما، نسبت کسانی که در مقوله کجروی زیاد قرار گرفته‌اند در هر دو گروه دخترها و پسرها برابر است. در مجموع، این یافته‌ها حکایت از آن دارد که کجروی‌های فرهنگی در هر دو گروه عمومیت دارد.

تفاوت جنسیتی در کجروی‌های غیرفرهنگی کمتر است و عمومیت رفتار کجرو هم در هر دو گروه در حد بسیار پایینی است، به طوری که نسبت کسانی که کجروی بالایی داشته‌اند، در بین دخترها فقط ۱ درصد و در بین پسرها فقط ۵ درصد است. در حالی که در کجروی فرهنگی، قریب به دو سوم (۶۲٪) افراد از هر دو جنس در مقوله کجروی بالا قرار دارند. در مجموع این یافته‌ها حکایت از آن دارد که گرچه از نظر کجروی‌های غیرفرهنگی تفاوت جنسیتی چشمگیرتر است و عمومیت این نوع رفتار هم در هر دو گروه در حد متعادل و قابل قبولی است، در کجروی فرهنگی، تفاوت جنسیتی تقلیل یافته و عمومیت رفتار کجرو در بین دو گروه جنسیتی در حدی است که نمی‌توان رفتار معرف کجروی فرهنگی را در بین نوجوانان دانش‌آموز از نظر فرهنگ واقعی یا آماری نابهنجار تلقی کرد.^۲

سن: با توجه به این که پاسخگویان در سال سوم دبیرستان بودند، پراکندگی سنی آن‌ها کم بود. با وجود این، آنان به سه گروه سنی، ۱۶ سال و کمتر، ۱۷ سال، و ۱۸ سال و بیشتر تفکیک شدند. چنانچه جدول شماره ۴ نشان می‌دهد، در هر دو نوع کجروی، نسبت افراد کجرو با افزایش سن تا حدی افزایش می‌یابد (از ۱۷٪ به ۳۴٪

۲. رفتار نابهنجار از نظر فرهنگ واقعی یا آماری رفتاری است که در بین یک گروه یا قشر عمومیت ندارد و ارتکاب آن با واکنش منفی اکثریت افراد روبرو می‌شود، برعکس، چنانچه بخش قابل توجهی از افراد رفتاری را مرتکب شوند، چنین رفتاری از نظر فرهنگ واقعی یا آماری در بین آنان نابهنجار تعریف نمی‌شود (Horton and Hunt 1987: 69-70, 168)

و ۳۷٪ در مورد کجروی فرهنگی، و از صفر به ۳٪ و ۷٪ در مورد کجروی غیرفرهنگی). با آن که دامنه تغییرات سن در این پژوهش محدود بود، افزایش میزان کجروی با افزایش سن در دوره نوجوانی هماهنگ با یافته‌های پژوهش‌های جرم‌شناسی است (Siegel and Senna 1997: 62-63; Hirschi and Gottfredson 1994) و می‌تواند نشانه دیگری بر اعتبار سنجه پژوهش باشد.

رشته: یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که در هر دو نوع کجروی (فرهنگی و غیرفرهنگی) فراوانی کجروی در بین پاسخگویانی که در رشته تجربی و انسانی مشغول تحصیل بودند تقریباً نزدیک و مشابه است، به طوری که نسبت غیرکجروها در کجروی فرهنگی به ترتیب ۱۳ و ۱۵ درصد و در کجروی‌های غیرفرهنگی به ترتیب ۳۴ و ۳۸ درصد است. فراوانی کجروی در بین دانش‌آموزان رشته ریاضی بیشتر از دو رشته دیگر است به طوری که نسبت غیرکجروهای رشته ریاضی تقریباً نصف دو رشته دیگر است و به ترتیب به ۶ و ۱۶ درصد برای کجروی فرهنگی و کجروی غیرفرهنگی تقلیل می‌یابد. با آن که تفاوت دو رشته تجربی و انسانی با ریاضی از نظر آماری با احتمال خطای کمتر از ۵ درصد معنادار است، اما تفاوت درصدها به خصوص در مقوله کجروی زیاد، چندان زیاد نیست و ممکن است بتوان بخشی از این تفاوت را به احتمال خطای ناشی از تعمیم نتیجه از نمونه به جمعیت نسبت داد. در مجموع، پذیرش تفاوت رشته‌ها از نظر فراوانی رفتار کجرو و ارائه تبیین اجتماعی قابل قبولی از آن دشوار به نظر می‌رسد و در این خصوص باید منتظر پژوهش‌های بیشتری بود.

تحصیلات پدر و مادر: پاسخگویان بر اساس میزان تحصیلات پدر و مادر به چهار گروه بی‌سواد، زیردیپلم، دیپلم و فوق دیپلم، و کارشناسی و بالاتر تقسیم شدند. در مورد کجروی‌های غیرفرهنگی نسبت افراد دارای کجروی بالا در بین پاسخگویانی که پدران یا مادرانشان از نظر سواد متفاوت بودند، اندک (کمتر از ۴ درصد) و بسیار نزدیک به هم بودند. اما نسبت افراد غیرکجرو با افزایش تحصیلات والدین پاسخگویان کاهش می‌یابند. با وجود این، تفاوت پاسخگویان از نظر میزان کجروی غیرفرهنگی با توجه به تحصیلات والدین آن‌ها، از نظر آماری معنادار نیست. در مجموع میزان تحصیلات والدین اثری بر فراوانی رفتار کجرو غیرفرهنگی نداشت.

جدول شماره ۴ - رابطه کجروی فرهنگی و غیر فرهنگی با برخی از متغیرهای اجتماعی

متغیرهای مستقل				کجروی فرهنگی *				سایر انواع کجروی *			
اسم	طبقات	کاملاً هم‌نوا یا غیر کجرو %	زیاد کجرو %	تعداد کل در طبقه	شدت و معناداری رابطه ***	کاملاً هم‌نوا یا غیر کجرو % و %	زیاد کجرو %	تعداد کل در طبقه	شدت و معناداری رابطه ***	شدت و معناداری رابطه ***	تعداد کل در طبقه
منطقه	یک	۱۲	۲۸	۸۹	V = -.۰۹	۲۹	۱	۷۹	V = -.۱۵	۱۰۶	۳
	شش	۹	۳۳	۱۱۷		۱۹	۳	۱۰۶			
	دوازده	۱۴	۲۷	۸۹		۳۳	۴	۸۱			
	شانزده	۱۲	۱۹	۹۰		۳۷	۲	۸۹			
جنس	زن	۱۸	۶۲	۱۹۳	V = -.۲۴	۴۸	۱	۱۸۲	V = -.۵۲	۱۷۳	۵
	مرد	۵	۶۲	۱۹۲		۹	۵	۱۷۳			
سن	۱	۱۴	۱۷	۱۱۹	Tc = -.۱۰	۲۸	۰	۱۱۱	Tc = -.۱۶	۱۷۸	۳
	۲	۱۱	۳۴	۱۹۲		۲۷	۳	۱۷۸			
	۳	۵	۲۷	۶۳		۳۳	۷	۵۷			
رشته	تجربی	۱۳	۲۱	۱۴۶	V = -.۱۳	۳۴	۴	۱۳۸	V = -.۱۹	۱۰۶	۱
	انسانی	۱۵	۲۶	۱۱۳		۳۸	۱	۱۰۶			
	ریاضی	۶	۳۷	۱۱۷		۱۶	۳	۱۰۳			
تحصیلات پدر	بی‌سواد	۱۴	۱۸	۲۸	Tc = -.۱۰	۴۲	۴	۲۴	Tc = -.۱۲	۱۷۸	۲
	زیردیپلم	۱۲	۲۳	۱۸۶		۳۳	۲	۱۷۸			
	دیپلم و فوق	۱۴	۲۷	۹۲		۲۵	۱	۸۰			
	کارشناسی+	۷	۴۳	۷۵		۲۲	۴	۶۹			
تحصیلات مادر	بی‌سواد	۹	۱۶	۴۳	Tc = -.۱۲	۳۵	۰	۴۰	Tc = -.۰۶	۱۸۶	۳
	زیردیپلم	۱۰	۲۲	۲۰۱		۳۰	۳	۱۸۶			
	دیپلم و فوق	۱۸	۳۴	۹۹		۲۸	۳	۹۰			
	کارشناسی+	۰	۴۷	۳۸		۲۲	۰	۳۶			
درآمد	پایین	۱۲	۱۹	۱۳۰	Tc = -.۱۹	۳۰	۴	۱۲۲	Tc = -.۱۴	۸۲	۰
	متوسط	۱۱	۳۰	۹۰		۲۷	۰	۸۲			
	بالا	۴	۴۰	۸۵		۱۷	۴	۷۵			
پایگاه اقتصادی اجتماعی	پایین	۸	۲۲	۷۷	Tc = -.۱۵	۲۵	۳	۷۱	Tc = -.۱۱	۶۸	۴
	متوسط	۱۱	۲۶	۷۶		۲۴	۴	۶۸			
	بالا	۵	۴۵	۶۵		۱۴	۲	۶۳			
دینداری	پایین	۰	۷۳	۱۵	Tc = -.۳۴	۷	۰	۱۵	Tc = -.۲۶	۱۴۶	۴
	متوسط	۴	۴۲	۱۶۱		۱۹	۴	۱۴۶			
	بالا	۱۷	۹	۱۷۵		۴۲	۱	۱۶۴			

* مقوله وسط (کجروی اندک) در جدول گزارش نشده است. تفاضل مجموع ارقام غیر کجرو و کجروی زیاد از عدد ۱۰۰، درصد افرادی را به دست می‌دهد، که در گروه کجروی اندک قرار گرفته‌اند.
 ** احتمال خطای بالای ۵ درصد بدون علامت، کمتر از ۵ و بیش از ۱ درصد (**)، کمتر از ۱ و بیش از ۰/۱ درصد (***)، کمتر از ۰/۱ درصد (***)).

اما در مورد کجروی فرهنگی بین تحصیلات والدین و فراوانی رفتار کجرو رابطه معنی‌داری ملاحظه می‌شود. با افزایش میزان تحصیلات والدین بر نسبت افرادی که در مقوله کجروی زیاد قرار گرفته‌اند افزوده می‌شود. بیشترین تفاوت بین کسانی است که والدین آن‌ها دارای تحصیلات کارشناسی و بیشتر هستند، به طوری که نسبت افراد غیر کجرو در بین کسانی که پدر آن‌ها کارشناس و بالاتر است، ۷٪ و تقریباً نصف بقیه مقوله‌های میزان تحصیلات است. نسبت کجروی زیاد هم در این گروه ۴۳ درصد است که حداقل ۱۶ درصد از نسبت‌های مربوط به بقیه مقوله‌های تحصیلات بیشتر است.

در مورد رابطه تحصیلات مادر و کجروی‌های فرهنگی هم وضع مشابهی وجود دارد. در حالی که هیچ کدام از دانش‌آموزانی که مادران آن‌ها تحصیلات عالی داشته‌اند، در مقوله غیر کجرو قرار نگرفته و نزدیک به نیمی از آن‌ها (۴۳ درصد) در مقوله کجروی زیاد جای گرفته‌اند، نسبت افراد غیر کجرو در سایر گروه‌های تحصیلات مادران بین ۹ تا ۱۸ درصد و نسبت کجروی زیاد بین ۱۶ تا ۳۴ درصد است.

بنابراین، یافته‌ها حکایت از آن دارد که کجروی فرهنگی در بین فرزندان خانواده‌های دارای تحصیلات بیشتر، و به‌خصوص تحصیلات دانشگاهی شایع‌تر است. همان‌طور که پیش‌تر مطرح شد، کجروی فرهنگی، با معرف‌های الگوهای رفتاری و سبک‌های زندگی نسبتاً جدید وارداتی تعریف عملیاتی شده است. بنابراین، با توجه به ارتباط بیشتر اقشار تحصیل کرده‌تر جامعه با این الگوهای رفتاری، یافته‌های فوق عادی و قابل توجیه است. این یافته‌ها همچنین مؤید این است که در بین بخش قابل توجهی از فرزندان کسانی که تحصیلات عالی دارند، سبک زندگی و الگوهای رفتاری جدیدی در حال شکل گرفتن است که به دشواری می‌توان آن‌ها را به عنوان بزهکاری تعریف کرد و با آن برخورد حقوقی و قانونی داشت.

درآمد: رابطه بین میزان کجروی و درآمد خانواده هم تقریباً مشابه رابطه آن با تحصیلات والدین است. بین میزان درآمد خانواده و کجروی‌های غیر فرهنگی فرزندان رابطه معناداری وجود ندارد. اما کجروی فرهنگی در بین فرزندان خانواده‌های دارای درآمد بالا به‌میزان قابل توجه و معناداری بیشتر است.

همان‌طور که در جدول شماره ۴ ملاحظه می‌شود، نسبت افراد غیر کجرو و زیاد کجرو در بین گروه درآمدی پایین به ترتیب ۱۲ درصد و ۱۹ درصد است. حال آن‌که،

در گروه درآمدی بالا نسبت افراد غیر کجرو فقط ۴ درصد و نسبت افراد زیاد کجرو ۴۰ درصد است. شیوع بیشتر کجروی‌های فرهنگی در بین فرزندان گروه درآمدی بالا، همانند شیوع بیشتر این نوع رفتار در بین فرزندان صاحبان تحصیلات بالا مجدداً مؤید شکل‌گیری یک پاره‌فرهنگ متفاوت با فرهنگ رسمی و غیررسمی غالب است.

پایگاه اقتصادی - اجتماعی: با تلفیق میزان درآمد، تحصیلات والدین، شغل پدر و بهره‌مندی از برخی وسایل زندگی، شاخص پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده ساخته شد و افراد از نظر این شاخص به سه مقوله بالا، متوسط، و پایین تقسیم شدند. رابطه این شاخص با کجروی مشابه رابطه کجروی با درآمد و تحصیلات است. فقدان رابطه معنی‌دار بین کجروی‌های غیرفرهنگی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی با پژوهش‌های دیگری که همین رابطه را با داده‌های ناشی از پرسشنامه‌های خودگزارشی در جوامع غربی بررسی کرده‌اند همخوانی دارد (Siegel and Senna 1997: 60-62).

در حالی که بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و کجروی‌های غیرفرهنگی رابطه معناداری وجود ندارد، با افزایش پایگاه، کجروی فرهنگی افزایش می‌یابد؛ به طوری که نسبت افراد دارای کجروی زیاد در گروه دارای پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالا ۴۵ درصد و حدود دو برابر نسبت کجروی فرهنگی زیاد در گروه دارای پایگاه پایین است. این واقعیت که فقط ۵ درصد از فرزندان خانواده‌هایی که دارای پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالا هستند، از نظر ارتکاب کجروی‌های فرهنگی غیر کجرو بوده‌اند و در مقابل قریب نیمی از آنان (۴۵ درصد) در مقوله کجروی زیاد قرار گرفته‌اند، می‌تواند نشانه آن باشد که رفتاری که به عنوان کجروی فرهنگی تعریف شده‌اند، در پاره‌فرهنگ واقعی نوجوانان گروه‌های پایگاهی بالای جامعه رفتاری به‌هنگار است. با وجود فراوانی بیشتر رفتار کجرو فرهنگی در میان نوجوانان خانواده دارای پایگاه بالا، نباید نتیجه گرفت که این نوع کجروی‌ها اختصاصاً به نوجوانان گروه‌های پایگاهی بالا دارد، زیرا در بین نوجوانان دارای پایگاه متوسط و پایین هم حدود یک چهارم (۲۶٪ و ۲۲٪) زیاد کجرو و فقط حدود یک دهم (۱۱٪ و ۸٪) کاملاً هم‌نوا یا غیر کجرو بوده‌اند. بنابراین، شاید بتوان گفت از نظر کجروی‌های فرهنگی، در بین همه پایگاه‌های اقتصادی - اجتماعی غیر کجروان در اقلیت بوده (کمتر از ده درصد)

و بقیه کم و بیش مرتکب این نوع کجروی‌ها شده‌اند. به این ترتیب، می‌توان از وجود پاره‌فرهنگ و سبک زندگی نوجوانان شهر تهران با هنجارهای متفاوت و مغایر با ارزش‌ها و هنجارهای عادی سنتی و دینی در جامعه سخن گفت.

دینداری: شاخص دینداری کل بر اساس مدل دینداری کلاگ و استارک ساخته شد (نگاه کنید به سراج‌زاده و توکلی ۱۳۸۰: ۱۸۸-۱۵۹؛ Glock and Stark 1965: 19-21). این شاخص مشتمل بر ۲۶ عبارت نگرشی و رفتاری بود. افراد بر اساس دینداری به سه گروه بالا، متوسط و پایین تقسیم شدند.^۳

تقاطع سطوح دینداری و کجروی فرهنگی و غیرفرهنگی در جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که رابطه قوی و معنی‌داری بین دینداری و کجروی فرهنگی وجود دارد، در حالی که رابطه دینداری با کجروی غیرفرهنگی در حد متوسط و معنی‌دار است. در کجروی غیرفرهنگی، نسبت کجروان زیاد در هر سه طبقه دینداری، اندک و کمتر از ۴ درصد است اما نسبت غیرکجروان در گروه دینداری پایین ۷٪، در گروه متوسط ۹٪ و در گروه دینداران بالا به ۴۲٪ می‌رسد. در مورد کجروی فرهنگی، رابطه دینداری و کجروی به مراتب آشکارتر و قوی‌تر است. در حالی که هیچ‌کدام از کسانی که نمره دینداری آنان پایین بوده کاملاً هم‌نوا یا غیرکجرو نبوده‌اند، در بین کسانی که نمره متوسط و بالا در دینداری داشته‌اند به ترتیب ۴ درصد و ۱۷ درصد غیرکجرو بوده‌اند. در مقابل نسبت کسانی که زیاد کجرو بوده‌اند، از نزدیک به سه چهارم (۷۳٪) در بین کسانی که دینداری ضعیف داشته‌اند، به حدود ۴۲٪ در بین دینداران متوسط و سرانجام به ۹٪ در بین دینداران بالا کاهش یافته است. با وجود این، نسبت افراد غیرکجرو در بین نوجوانانی که از نظر شاخص دینداری قوی ارزیابی شده‌اند هم کمتر از یک پنجم پاسخگویان بوده است، نشان می‌دهد که حتی در بین این گروه هم ارتکاب کجروی فرهنگی کم و بیش وجود دارد.

۵ - بحث و نتیجه‌گیری

از نظر روش‌شناسی، یافته‌های این تحقیق در مورد کجروی نوجوانان شهر تهران که با استفاده از روش خودگزارشی به‌دست آمده، مؤید آن است که روش

۳. برای اطلاع بیشتر از نحوه ساختن سنجه دینداری نگاه کنید به سراج‌زاده ۱۳۷۸: ۱۰۷-۱۰۵.

خودگزارشی از اعتبار و روایی قابل قبولی برخوردار است. در نتیجه، برای رسیدن به تصویر دقیق از شیوع‌شناسی رفتار کجرو در بین نوجوانان، لازم است استفاده از روش خودگزارشی، به عنوان مکمل آمارهای رسمی، به‌وسیله مدیران اجتماعی - فرهنگی و پژوهشگران اجتماعی مورد توجه قرار گیرد.

از نظر فراوانی رفتار کجرو، آن‌چه که در این پژوهش در مورد شیوع رفتار کجرو در بین نوجوانان شهر تهران به‌دست آمد، نشانه آن است که میزان کجروی‌های غیرفرهنگی در بین نوجوانان دانش‌آموز شهر تهران در اکثر رفتارها اندک و در حد قابل قبولی بوده است. همان‌طور که جدول شماره ۲ نشان می‌دهد، در اکثر معرف‌های کجروی غیرفرهنگی بیش از سه چهارم پاسخگویان کاملاً هم‌نوا بوده‌اند. استثنای مشاهده شده عبارت بودند از: جنگ و دعوا با دیگران (۵۲٪ کاملاً هم‌نوا)، ایستادن در مقابل حرف معلم و سایر مسئولان مدرسه (۵۳٪ کاملاً هم‌نوا)، ایستادن در مقابل حرف پدر و مادر (۲۱٪ کاملاً هم‌نوا) و تقلب در امتحانات درسی (فقط ۱۱٪ کاملاً هم‌نوا). در نتیجه، از نظر شیوع انواع رفتار کجرو غیرفرهنگی در اکثر موارد، وضع رفتاری نوجوانان دانش‌آموز تهرانی بر اساس این یافته‌ها در حدی نبود که به عنوان مسئله اجتماعی تلقی شود و نشانه ناکارآمدی فرایندهای جامعه‌پذیری آنان باشد. با وجود این، فراوانی جنگ و دعوا نشانه اشاعه الگوهای خشونت‌آمیز حل اختلاف در روابط بین فردی در بین نوجوانان است. این امر می‌تواند بازنمای فرهنگ کلی جامعه باشد که در پاره‌فرهنگ نوجوانان هم خود را متجلی ساخته است. بنابراین، لازم است مدیران اجتماعی - فرهنگی به فراهم آوردن زمینه‌ها و امکانات قانونی و مسالمت‌آمیز برای حل اختلافات افراد در سطح کلان و در سطح نوجوانان توجه بیشتری مبذول دارند، تا رفتار خشونت‌آمیز به الگوهای نهادی شده حل اختلافات به‌وسیله نوجوانان تبدیل نشود.

این که حدود ۹۰٪ دانش‌آموزان مرتکب تقلب در امتحانات شده‌اند نشانه بحران در استانداردهای صداقت و درستکاری در محیط‌های آموزشی است که باید مورد توجه جدی مسئولان آموزش و پرورش قرار گیرد. فراوانی ایستادن در مقابل پدر و مادر و مسئولان مدرسه را ممکن است بتوان با مقتضیات روحی و روانی دوره بلوغ و نوجوانی توجیه کرد. به‌رغم آن، این میزان بالا ممکن است نشانه‌ای از بحران اقتدار

بزرگسالان در رابطه با نسل جدید هم باشد. همچنین فراوانی کجروی‌های فرهنگی در بین نوجوانان که به معنای عدم پایبندی به هنجارهای اخلاقی غالب در بین بزرگسالان جامعه است ممکن است با بحران اقتدار بزرگسالان ارتباط داشته باشد.

در مورد کجروی فرهنگی، وضع رفتار نوجوانان دانش‌آموز کاملاً با کجروی‌های غیرفرهنگی متفاوت است. این واقعیت که حدود سه چهارم پاسخگویان اظهار داشته‌اند فیلم‌های ویدیویی غیرمجاز تماشا کرده‌اند، حدود دو سوم عکس‌ها و نوارهای موسیقی غیرمجاز با دوستان خود رد و بدل کرده‌اند، حدود یک پنجم به‌خاطر سبک آرایش مو و حجاب در خیابان از مأمورین انتظامی اخطار گرفته‌اند یا به‌وسیله آنان دستگیر شده‌اند، حدود دو سوم دوستی از جنس مخالف دارند و یا مایلند که داشته باشند، حدود یک سوم در پارتهای مختلف دوستانه (غیرفامیلی) شرکت کرده‌اند، حدود یک پنجم الکل مصرف کرده و رابطه جنسی داشته‌اند، نشانه آن است که الگوی رفتاری نوجوانان در شهر تهران در حوزه کجروی فرهنگی با الگوهای ایدئولوژی رسمی، که به‌وسیله نهاد آموزش و پرورش و سایر عوامل و نهادهای جامعه‌پذیری مثل مطبوعات و رادیو تلویزیون تبلیغ می‌شود، فاصله زیادی دارد. این امر می‌تواند به عنوان شکست جریان جامعه‌پذیری نسل جدید در این حوزه خاص تلقی شود. همچنین، الگوهای رفتاری نوجوانان شهر تهران با توقعات و انتظارات بخش قابل توجهی از بزرگسالان خانواده‌ها، یعنی با نظام ارزشی و هنجارهای غیررسمی جامعه که مبتنی بر آموزه‌های سنتی - دینی است ناسازگار است. این پدیده می‌تواند به عنوان تفاوت جدی نسل‌ها هم تلقی و ارزیابی شود.^۴ ممکن است این وضعیت منحصر به شهر تهران نباشد و بتوان از الگوهای رفتاری و سبک زندگی بخش قابل توجهی از نوجوانان و جوانان کشور سخن گفت. یکی از شواهد مؤید این ادعا یافته‌های پژوهشی است که درباره گرایش جوانان اصفهان به انواع موسیقی صورت گرفته است (قاسمی ۱۳۸۱). بر اساس این پژوهش تمایل جوانان اصفهانی به شنیدن انواع موسیقی به‌صورت مندرج در جدول شماره ۵ است.

۴. باید توجه داشت که ناهم‌نوایی بخش قابل توجهی از نوجوانان با برخی از کدهای رفتاری دینی و سنتی جامعه نمی‌تواند به معنای گسست آن‌ها از کلیه موارد دینی و سنتی تلقی شود. یافته‌های موجود درباره باورها، عواطف و مناسک دینی نوجوانان حاکی از آن است که میزان دین باوری و تقید به عبادات، به ویژه عبادات فردی، در میان آنان بالا است و آنان دیندارتر از آن هستند که برخی از بزرگسالان می‌پندارند (رجوع شود به سراج‌زاده ۱۳۷۸؛ طالبان ۱۳۷۷).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، موسیقی پاپ ایرانی ضبط شده در خارج کشور، که غیرمجاز شناخته می‌شود، با اختلاف قابل ملاحظه‌ای با انواع دیگر موسیقی در صدر قرار دارد و ۶۱ درصد از جوانان اصفهانی همیشه یا اغلب اوقات از آن استفاده می‌کنند؛ در حالی که فقط کمتر از یک پنجم (۱۸ درصد) پاسخگویان اظهار داشته‌اند که از این نوع موسیقی استفاده نمی‌کنند (به ندرت یا هیچ وقت).

برای تفاوت الگوهای رفتاری مشاهده شده در میان نوجوانان با نظام ارزشی هنجارهای رسمی و بزرگسالان جامعه می‌تواند دو رویکرد سنتی و ثبات (Traditional and stability approach) مطرح شود (Hamberg 1991: 63-64).

رویکرد سنتی تفاوت پاره‌فرهنگ نوجوانان با فرهنگ رسمی و غیررسمی بزرگسالان جامعه را پدیده‌ای جهانی می‌داند که مربوط به همه دوره‌ها است و به مقتضیات سنی دوره نوجوانی و بلوغ برمی‌گردد. دوره نوجوانی دوره تحولات جسمی و روانی و دوره احراز هویت جدید و مستقل است. بخشی از فرایند هویت‌یابی و استقلال از طریق مخالفت با هنجارهای رسمی و غیررسمی بزرگسالان جلوه‌گر می‌شود. با گذر از این دوره و ورود به دوره بزرگسالی تأثیر فرایندهای جامعه‌پذیری مجدداً آشکار می‌شود و نوجوانان ناهم‌نوای امروز به بزرگسالان هم‌نوای آینده تبدیل خواهند شد. این تبیین از تفاوت خرده فرهنگ نوجوانان با فرهنگ عادی جامعه، که بینش سنتی هم خوانده می‌شود، بخشی از واقعیت را تبیین می‌کند ولی به دشواری می‌توان شکاف زیاد مشاهده‌شده بین پاره‌فرهنگ نوجوانان با الگوهای رسمی و غیررسمی بزرگسالان را با استناد به مقتضیات سنی دوره نوجوانی توضیح داد.

رویکرد دوم بر تحولات اجتماعی - اقتصادی دوره مدرن که باعث می‌شود نسل‌های مختلف در شرایط کاملاً متفاوتی جامعه‌پذیر شوند تأکید دارد. بر اساس این رویکرد نسل جدید در دوره‌ای جامعه‌پذیر شده‌اند که علاوه بر تأثیرپذیری از نهادهای رسمی و سنتی، به شدت در معرض آثار پدیده‌های نوین ارتباطی مثل ویدیو و ماهواره و تحرک زیاد جغرافیایی بوده‌اند، پدیده‌ای که نسل پیشین کمتر آن را تجربه کرده بودند (Hoge and Hoge 1984: 41-42; Hamberg 1991: 63-64; Argyle and Ben-Hallahmi 1975: 65-70).

جدول شماره ۵ - توزیع نسبی پاسخگویان (جوانان اصفهان) برحسب میزان تمایل به شنیدن انواع موسیقی (درصد)

نوع موسیقی	همیشه یا اغلب	گاهی	به ندرت یا هیچ وقت	بدون پاسخ	میانگین از ۵
پاپ ایرانی (ضبط در خارج) - غیرمجاز	۶۱/۵	۱۴/۱	۱۷/۹	۶/۵	۳/۷
پاپ ایرانی (ضبط در داخل) - مجاز	۴۰/۰	۳۲/۶	۲۰/۳	۷/۱	۳/۳
اصیل و سنتی ایرانی	۳۰	۳۳/۵	۳۰/۹	۵/۷	۳
پاپ غربی	۲۹/۱	۱۶/۲	۳۹/۰	۸/۲	۲/۶
مذهبی ایرانی	۱۷	۲۱/۴	۵۳/۴	۸/۲	۲/۵
محلی ایرانی	۱۲/۸	۲۰/۶	۵۵/۵	۱۱/۲	۲/۴
کلاسیک غربی	۱۹/۸	۱۴/۹	۵۵/۸	۹/۴	۲/۳
سایر ملل	۱۰/۱	۱۹/۹	۵۸/۸	۱۱/۲	۲/۲

منبع: قاسمی ۱۳۸۱: ۱۳۹.

به علاوه، ارزش‌های سنتی - دینی جامعه معمولاً از طریق نهادهای غیررسمی جامعه‌پذیری مثل خانواده و نهاد دین و در جریان روابط نزدیک و صمیمانه منتقل می‌شود. در حالی که، در شرایط خاص ایران از دو دهه پیش، نسل جدید این الگوهای رفتاری را، به نحوی که کوانگ (۱۳۸۰: ۴۹) در مورد جامعه چین مطرح کرده است، "در مجموعه مستحکمی از رهنمودهای هنجاری که نظم اخلاقی و سیاسی را مورد پشتیبانی قرار می‌دهند"، در قالب یک ایدئولوژی رسمی حکومتی و از طریق نهادهای رسمی هم دریافت می‌کند. صورت ارائه این ارزش‌ها هم عمدتاً آمرانه و تحکمی و با اتکا به ساز و کارهای قدرت رسمی بوده و در مواردی بیش از حد متعادل عرفی و شرعی سخت‌گیرانه تعریف شده‌اند (مثل ممانعت از پوشیدن پیراهن آستین کوتاه برای مردان و یا تأکید بر استفاده از چادر در مقابل سایر انواع حجاب با رعایت حدود شرعی).

بنابراین، هم عوامل مربوط به ساخت‌های اجتماعی - اقتصادی دنیای مدرن، مثل مواجهه با رسانه‌های جدید، و هم یک عامل سیاسی، یعنی دریافت ارزش‌های سنتی - دینی در قالب یک ایدئولوژی رسمی آمرانه، وضعیتی است که نسل پیشین با آن سر و کار نداشته یا کمتر سر و کار داشته‌اند. آثار این وضعیت در پاره‌فرهنگ

نوجوانان خود را نشان داده و نوجوانان امروز را تا حدی با نوجوانان دیروز متفاوت ساخته است. این تفاوت، تفاوت دو نسل است که در دوره بزرگسالی این نسل هم تداوم خواهد یافت. بر اساس رویکرد ثبات، دست کم برخی از الگوهای رفتاری نوجوانان امروز، که از نظر فرهنگ رسمی و غیررسمی بزرگسالان کجرو تعریف می‌شود، ممکن است با ورود این نسل به دوره بزرگسالی، به الگوهای رفتاری پذیرفته شده در بین گروه‌ها و قشرهایی از جامعه بزرگسال هم تبدیل شود.

در مجموع، به نظر می‌رسد که هر دو تبیین بهره‌ای از واقعیت داشته باشند و تعامل نیروهای برخاسته از مقتضیات جامعه جدید که تفاوت نسل‌ها را رقم می‌زند، و نیروهای جامعه‌پذیرکننده سنتی - دینی جامعه، به جوانان امروز هویت خاصی می‌دهند که باعث می‌شود آنان در دوره میانسالی و بزرگسالی‌شان هم از نسل امروز متمایز باشند و در حوزه‌های خاصی مرزهای نظام ارزشی و هنجاری بزرگسالان امروز را نقص کنند؛ هر چند که در مقایسه با امروزشان تا حدی تعدیل می‌شوند و فاصله‌شان با الگوهای بزرگسالان امروز کمتر می‌شود.

با توجه به نظریه‌های کجروی‌های اجتماعی که در بخش زمینه نظری به آن‌ها اشاره شد، می‌توان استدلال کرد که نوجوانان و جوانان جامعه ایران از طریق رسانه‌های جدید غیررسمی با الگوهای فرهنگی و سبک زندگی مغایر با فرهنگ سنتی و رسمی مواجه شده و آن‌ها را آموخته‌اند (نظریه یادگیری). این الگوها در بخش قابل توجهی از این جوانان، پاره‌فرهنگ ویژه‌ای ایجاد کرده است که با ارزش‌های فرهنگ رسمی و سنتی مغایر است. این پاره‌فرهنگ در پایگاه‌های بالای اجتماعی که مواجهه و ارتباط بیشتری با دنیای جدید دارند از گستردگی و عمق بیشتری برخوردار است (نگاه کنید به رابطه تحصیلات، درآمد، و پایگاه اقتصادی اجتماعی با کجروی فرهنگی). وجود این پاره‌فرهنگ در کنار فرهنگ سنتی و رسمی غالب نوعی شرایط نابسامان هنجاری ایجاد کرده است. علاوه بر این، چون قواعد و مقررات بخش‌های رسمی جامعه بر اساس هنجارهای دینی سنتی است، الگوها و سبک‌های زندگی رایج در بین بخش قابل توجهی از جوانان به عنوان کجروی و جرم تعریف شده و با آنان به صورت مجرم برخورد می‌شود (نظریه تضاد فرهنگی). این امر خود می‌تواند موجب فاصله گرفتن بیشتر جوانان از عناصر فرهنگ غالب

شود و ابعاد هنجارشکنی و مقابله با هنجارهای سنتی و رسمی را گسترش دهد (نظریه برچسب زدن).

۶- دلالت‌های یافته‌های این پژوهش برای مدیریت فرهنگی

اگر یافته‌های ارائه شده در این پژوهش در خصوص فراوانی کجروی‌های فرهنگی نشان‌دهنده ناسازگاری و ناهم‌نوایی قابل توجه نوجوانان با برخی از انتظارات و توقعات هنجاری سنتی و رسمی تلقی شود، آن‌گاه می‌توان نتیجه گرفت که راهبردها و شیوه‌های مدیریت فرهنگی در دوره منتهی به این پژوهش (نیمه دوم دهه ۷۰) از کارآمدی لازم برخوردار نبوده‌اند. به عبارت دیگر، راهبردها و شیوه‌های مدیریت فرهنگی که در نیمه دوم دهه ۶۰ و نیمه اول دهه ۷۰ بر عرصه فرهنگ کشور حاکم بودند نتوانستند به صورت مؤثری نوجوانان را بر اساس هنجارهای سنتی و رسمی جامعه‌پذیر نمایند. به همین دلیل لازم است مدیران فرهنگی در برنامه‌ریزی‌های خود، آن راهبردها و روش‌های فرهنگی را به صورت جدی مورد ارزیابی انتقادی قرار دهند. برای این کار لازم است به دو سؤال مهم پاسخ داده شود:

۱. آیا هدف‌های تعیین شده در آن راهبرد فرهنگی که ایجاد نوعی همانندی و انسجام در عرضه فرهنگ بر اساس یک نظام ارزشی و هنجاری ایدئولوژیک را سرلوحه کار خود قرار داده بود غیرواقع بینانه بوده است، که به‌رغم همه تلاش‌ها و سرمایه‌گذاری‌های مادی و معنوی به نتیجه مطلوب نرسیده است؟
۲. و یا این که روش‌ها و شیوه‌های اعمال شده برای رسیدن به اهداف کارایی لازم برای تحقق آن هدف‌ها را نداشته‌اند؟

پاسخ دادن به این دو پرسش مهم که باید مبنای تعریف راهبردها و ارزش‌های مدیریت فرهنگی قرار گیرد، مستلزم پژوهش‌ها و مباحث زیادی است. با وجود این، به اختصار و اشاره و در حد طرح بحث می‌توان گفت که اعمال روش‌هایی که تنوع نیازها، علائق و حساسیت‌های خاص دوره نوجوانی را در نظر نگیرد محکوم به شکست است. اما علاوه بر نیاز به روش‌های جذاب و متناسب با سن نوجوانان، در تعیین هدف‌های برنامه‌های فرهنگی، و به خصوص برای نوجوانان، باید واقع‌گرایانه برخورد کرد.

حدود یک صد سال پیش دورکیم، که به مقتضیات ساختی دوران مدرن اندیشید، استدلال کرد که به دلیل گسترش نظام تقسیم کار اجتماعی، نظم اخلاقی مبتنی بر انسجام مکانیک، که مبتنی بر مشابهت و همانندی بر اساس مشارکت در یک نظام ارزشی - هنجاری واحد بود، جای خود را به نظم اخلاقی مبتنی بر همبستگی ارگانیک می‌دهد که تنوعات و تفاوت‌های فرهنگی در درون یک کل اجتماعی را به رسمیت می‌شناسد (دورکیم ۱۳۶۹). شهر از این منظر مکانی است که این همبستگی اجتماعی ارگانیک در آن به طرز چشمگیری توسعه می‌یابد (رمی ۱۳۵۸: ۷۵). مدیریت فرهنگی جامعه جدید به‌خصوص در عصر انقلاب ارتباطی، اطلاعاتی و رسانه‌ای که جهان را به شدت کوچک کرده است و در کلان شهرها که تنوع فرهنگی بخشی از مقتضیات ساختی آن است، نمی‌تواند در هدف‌گذاری فرهنگی بر این واقعیت مهم چشم بیند و بدون توجه به تنوعات فرهنگی و تفاوت تقاضاهای مخاطبان خود، بر اساس یک نظام آرمانی - ایدئولوژیک و تعاریف سخت‌گیرانه به دنبال اشاعه الگوهای واحد فکری و رفتاری در عرصه‌های فرهنگی باشد. این هدف در چهارچوب جبرهای اجتماعی و اقتصادی دنیای جدید ناممکن و دست‌نیافتنی است. هدف برنامه‌های فرهنگی علاوه بر ایجاد فضای نشاط، شادابی و شکوفایی استعدادهای جوانان، باید جامعه‌پذیری حداقلی باشد، که ضمن به رسمیت شناختن تفاوت علائق و سلائق فرهنگی و سبک‌های زندگی، بر ایجاد هم‌نواپی بر اساس عام‌ترین ارزش‌های تضمین‌کننده نظم اجتماعی تأکید کند. عام‌ترین ارزش هم قانون برخاسته از یک نظم سیاسی مردم‌سالار است. قانونی که حقوق اجتماعی همه شهروندان را به رسمیت می‌شناسد. چنین قانونی به احتمال زیاد بازنمای صورت‌های متعادل ارزش‌های سنتی و فرهنگ غالب دینی جامعه هم خواهد بود.

منابع

- دورکیم، امیل. ۱۳۶۹. *درباره تقسیم کار اجتماعی*. ترجمه باقر پرهام. بابل: کتاب‌سرای بابل.
- رفیع‌پور، فرامرز. ۱۳۷۸. *آنومی یا آشفتگی اجتماعی در شهر تهران: پژوهش در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران*. تهران: انتشارات سروش.

- رمی، ژان. ۱۳۵۸. "بینش دورکیم." ترجمه مینا مخبری، ص ۶۷-۷۸، در مفهوم شهر ۱، از گروه تحقیق و مطالعات شهری و منطقه‌ای، تهران: نشر ایران.
- سراج زاده، سید حسین. ۱۳۷۸. "نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهرانی و دلالت‌های آن برای نظریه سکولار شدن." *نمایه پژوهش* شماره ۹ و ۱۰: ۱۱۸-۱۱۰.
- سراج زاده، سید حسین و مهناز توکلی. ۱۳۸۰. "بررسی تعریف عملیاتی دینداری در پژوهش‌های تجربی." *نامه پژوهش* ۲۰ و ۲۱: ۱۸۸-۱۵۹.
- سلیمی، علی و محمد داوری. ۱۳۸۰. *جامعه‌شناسی کجروی*. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- طالبان، محمدرضا. ۱۳۷۷. *سنجش دینداری و گرایش جوانان دانش‌آموز نسبت به نماز*. تهران: اداره آموزش و پرورش منطقه ۵.
- طالبان، محمدرضا. ۱۳۷۸. *دینداری و بزهکاری در میان جوانان*. تهران: اداره آموزش و پرورش منطقه ۵.
- قاسمی، وحید. ۱۳۸۱. *گرایش جوانان به انواع موسیقی در شهر اصفهان*. اصفهان: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اصفهان.
- کوانگ، جولیا. ۱۳۸۰. "بحران ایدئولوژیکی در میان جوانان چینی: ارزش‌ها و ایدئولوژی رسمی." ترجمه سید رضا میرطاهر. *نمایه پژوهش* ۱۷: ۶۳-۴۷.
- مرکز آمار ایران. ۱۳۷۳. *سالنامه آماری*. تهران: انتشارات مرکز آمار ایران.
- ممتاز، فریده. ۱۳۸۱. *انحرافات اجتماعی: نظریه‌ها و دیدگاه‌ها*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ولد، جرج و دیگران. ۱۳۸۰. *جرم‌شناسی نظری*. مترجم علی شجاعی. تهران: انتشارات سمت.
- Cochran, John K. et al. 1994. "Is the Religiosity-Delinquency Relationship Spurious? A Test of Arousal and Social Control Theories." *Journal of Research in Crime and Delinquency* 31(1):92-123.
- Coleman, Clive and Jenny Moynihan. 1996. *Understanding Crime Data: Haunted by the Dark Figure*. Buckingham: Open University Press.
- Downes David and Paul Rock. 1988. *Understanding Deviance: A Guide to the Sociology of Crime and Rule Breaking*. Oxford: Oxford University Press.
- Free, Marvin D. 1992. "Religious Affiliation, Religiosity, and Impulsive and Intentional Deviance." *Sociological Focus* 25(1):77-91.
- Glock, Charles Y. and Rodney Stark. 1965. *Religion and Society in Tension*. Chicago: Rand McNally.

- Gottfredson, Michael R. and Travis Hirschi. 1990. *A General Theory of Crime*. Stanford, California: Stanford University Press.
- Gove, Walter R. 1975. "The Labelling Perspective: An Overview." in *The Labeling of Deviance*. W. R. Gove (ed.). New York: Sage.
- Hamberg, Eva M. 1991. "Stability and Change in Religious Beliefs, Practice, and Attitudes: A Swedish Panel Study." *Journal for the Scientific Study of Religion* 30(1):63-80.
- Hindelang, Michael J. et al. 1981. *Measuring Delinquency*. California: Sage.
- Hirschi, Travis and Michael Gottfredson. 1983. "Age and the Explanation of Crime." *American Journal of Sociology* 89:552-584.
- Hirschi, Travis et al. 1980. "The Status of Self-Report Measure" In *Handbook of Criminal Justice Evaluation*. M. W. Klein (ed.). Beverly Hills, CA: Sage Publications.
- Hoge Dean R. and Jan L. Hoge 1984. "Period Effects and Specific Age Effects Influencing Values of Alumni in the Decade after College." *Social Forces* 62(4):941-962.
- Horton, Paul B. and Chesyer L. Hunt. 1987. *Sociology*. Singapore: McGraw-Hill.
- Jensen, Gary F. and Maynard L. Erickson. 1979. "The Religious Factor and Delinquency: Another Look at the Hellfire Hypotheses." pp. 157- 176 in *The Religious Dimension: New Directions in Quantitative Research*. Robert Wuthnow (ed.) New York: Academic Press.
- Rubington, Earl & Martin S. Weienberg 1989. *The Study of Social Problems*. Oxford: Oxford Press.
- Shields, Joseph J. 1983. *Religion and Delinquent Behaviour: A Study of Adolescents*. Unpublished PhD Dissertation. The Catholic University of America.
- Short and Nye. 1957. "Scaling Delinquent Behavior." *American Sociological Review* 22:326-331.
- Siegel Larry and Joseph Senna. 1997. *Juvenile Delinquency*. New York: West Publishing Company.
- Sutherland, Edwin H. & Gressey, Donald R. 1980. "The Theory of Differential Association." in *Theories of Deviance*. Stuart H. Traub, Craig B. Little (eds.)
- Wilson, James Q. and Richard J. Herrnstein. 1985. *Crime and Human Nature*. New York: Simon and Schuster.